

نتایج جشنواره سی و یکم و معضل «پیش بینی پذیری»

ندیده ها و نداشته ها

چاپ شده در : روزنامه اعتماد

زمان انتشار : بهمن ماه ۱۳۹۱

عنوان ستون ثابت نگارنده در روزنامه "اعتماد" در ایام جشنواره سی و یکم فجر، "ندیده ها و

نداشته ها" بود.

*

*

شاید یک راه میان بر و دم دست برای پرداختن این ستون به اختتامیه و برگزیدگان جشنواره، در حالی که از نداشته ها و پدیده های دیده نشده در سی و یکمین جشنواره فیلم فجر می گفت و می گوید، این بود که سینماگران و فیلم های شایسته کاندیداتوری ولی ناکام مانده را فهرست کنیم. اما در حالی که داعیه و دفاعیه همیشگی داوران جشنواره در دوره های مختلف، این بوده که «این نگرش و سلیقه ماست و هر هیأت داور دیگری متشکل از افراد دیگر، حتماً برگزیدگان دیگری داشت»، ترجیح می دم به طور مستقیم وارد این مبحث نشوم .

اما بخش عمده ای از ماجرا به «سلیقه» و این که انتخاب برترین ها «نظر» هیأت داوران است و به هر حال نظر تک تک مخاطبان جشنواره نمی تواند تأمین شود، واقعاً کوچک ترین ربط و دخلی ندارد. اشاره ام دقیقاً و به طور مشخص به میزان قابل پیش بینی بودن «رویکرد» کلی اهدای جوایز است که بی برو برگرد در تمام این سه دهه و یک سال برگزاری جشنواره، قابل تشخیص بوده. این که فیلمی چون «استرداد» با نگاه بسیار دم دستی به تاریخ فقط بابت این که محصول موسوم به «فاخر» یک سال تولیدی سینمای دولتی است، جایزه اصلی جشنواره را بگیرد، بارها و بارها به شکل های مختلف ولی در نهایت مشابه، در تاریخ این جشنواره تکرار شده است. فیلم، سرقت محموله ای به عظمت غرامت شوروی به ایران بعد از جنگ جهانی دوم را در بطن و بنیان فیلمنامه، به سادگی از این دست به آن دست شدن یک بغچه کوچک حاوی جواهرات زنی روستانشین برگزار می کند و با شلوغ کاری های لوکیشن و طراحی و موزیک، می

خواهد این میزان شعار و کلیشه در پرداخت شخصیت های مثبت و منفی را پنهان کند و آن مسیر ساده دزد به دزد زدن ها را با اکشن و اسلوموشن و موسیقی مثلاً مهیج، پیچیده جلوه دهد. دست آخر هم تمام این هزینه ها و هیاهوها در خدمت تبیین چه دغدغه و برای انتقال چه دنیایی به کار می رود؟ این که بگوییم با وجود تهاجم بیگانگان، دزدی های اصلی در خود مزرهای این سرزمین و میان نمایندگان متخلف دربار و دیپلماسی اتفاق افتاد؟ خب، واقعاً که دستاورد ملی بزرگی است این گرداندن نوک پیکان اتهام به سوی خود! خوب که فکرش را می کنم، می بینم مثلاً جایزه بهترین فیلم جشنواره پنجم فجر به «پرواز در شب» که شعاری ترین فیلم زنده یاد ملاقلی پور بود و خودش در تمام این ده دوازده سال آخر دل خوشی از آن نداشت، آن هم در حضور فیلم های تاریخ سازی مانند «ناخدا خورشید» و «اجاره نشین ها» و «شبح کژدم» و «شیر سنگی» و «خانه دوست کجاست» و ... می توانست کاملاً منطقی و قابل درک باشد: کشور در حال جنگ بود و فیلمی با نگرش مبتنی بر شعار «جنگ جنگ تا پیروزی» با ترغیب مردم به مقاومت تا آخرین نفس، ضرورتی اجتماعی و ملی تشخیص داده می شد. اما امروز جز «از این جیب به آن جیب» کردن جایزه ها و هزینه ها و نورچشمی بودن محصولات دولتی، حرف و مسئله مطرح در فیلم «استرداد» چه ضرورت یا حتی جذابیتی برای طرح شدن دارد؟!

این البته تنها بخش قابل پیش بینی نتایج جشنواره امسال نیست و بعدها در جمع بندی هایمان درباره این دوره، همین جا به جلوه های دیگر این انتخاب های چیدمان شده و از پیش معلوم، خواهیم پرداخت.